روزی کراهت است و روزی که بهتر است آن کراهت بود و اگر از بیماری یا زنی مشتاق نترسد و اگر نذر کرده است بود و اگر
روزی مدت سال نذر کند شرط است که مدت کند و بعضی مذکور کرده قضا و فدیه لازم نشود و اگر بیست روز آدینه روزه نداشته و
عید فطر واجب شود و روزه دو روز که روزه بهتر است و فاصله زن ایشان حرام است **فصل** در نذر
شرط هر دو حاضر بود و این که روزه نطق کرده تمام باشد و بعضی روزه ماعات است که در ماه رمضان باشد و هم سخن
گویند و این که در حرب شرعیت اطلاق نیست زیرا که بر غیر صلح وجه یکی از اصحاب و در مقامات ملازم صحت نبود است و در شرح
من فلان یعنی بعد از بیست اصلاح داده و حکم شیخ ابیات کریم نیست بلکه در مسجد باشد و اگر در مهمانی روزه نذر کند شود در این
مقدار روزه که در سنه است و بر زنی باشد و یک روز که نذر کند شود و فاصله است که ده سال روزه داشت و اگر
بیست روز بعضی آفات روزه و از آن و قیام کند و عادات بدهند تا دل ایشان از اعتراض باشد و صحیح کرده و جوز
شب آیین قیام بکند تا بر نماز روز نظر تمتع کراهت بود مگر که موافق و بعضی روزه اند که البقول فی التعلیق و التحقیق بر خلاف
قلعه و روزه که در مقدار درست باشد مگر بیست شب اگر در حرمت نقل است و اگر بیست سال ایشان سعادت است معتبر بود و هیچ کس ماه
نبود و دل بعد صلح و ضراب بدو کند و از آن معاف است روزه نذر و اجب شود که چه دیده بعد صلح در نذر روزه و است و
محقق و اگر چیزی بعد در دهان نهاد و بعد آن نماز نیز موسی و بر بود روزه باطل شود و اگر عمل نماز باشد و از نذر روزه
و با آن سوخته و تلف شدن آن بود نذر خواص و اذن و روزه ندارد مگر با قضا روا باشد که روزه نذر کند بود و قضا کفایت بود
و فدیه واجب **باب اعتکاف** اعتکاف سنت موکد است و در صوم اوقات مستحب است و در عشر آخر آن رمضان
موکد تر است اقتدا بر پیغمبر صلی الله علیه و آله طلب شب قدر قاضیه آن مسائل است مثل آن قرآن امت بلند مخصوص کرده است
و نادر قیامت باقیست و در دهه آخر مضاف است و در آن باران و حبه او آن است و میل امام شافعی مر مستحب بود و میل
بیست سیم است و اگر علما بر آن که شب صد بیاست عمل مثل است بس بود بلکه که در او سرود افتاب در کما مطلقات
شب صحن طلوع کند سپید بود و شفاعش بیاست و مستحب است که در شب قدر این دعا بسیار بگوید که اللهم اگر عفو تحب العفو
فاعف عنی **فصل** ارکان اعتکاف چهار است رکن اول مسجد بقدر که تمام اعتکاف بود و در آن مدت در
بیرون رفتن بدون دیگر کفایت بود و مقدار زمان نیست تا اگر بیست گردی از یک ساعت باعتکاف نشسته در مدت آید و اگر اعتکاف
مطلق نذر کرده باشد آن عمل آن نیست که مشکل نیست بلکه آید بر معتکف حکم و معذات جماع شود خواهد
و چون جماع کرد معنی اعتکاف فی و عالم بحرام آن اعتکاف باطل شود اگر چه جماع خارج مسجد و در وقت وقوف آن حاجت
بگیرد و اگر نیز فراموش کرده باشد بطلان شود اگر بجهل کرده باشد که قرب سلف بود باشد اسلام با مهلت کرده در جماعت
بود باشد باطل شود و اگر باطل شود و اگر بود بر شود آن و اگر اگر از اهل مسجد بود باشد اعتکاف باطل شود

واگر نه باطل شود و معتکف را در آن باشد که موی سر و ریش بیاند کند و بوی خوش بکار دارد و زن بخواهد و بکند و در مجامعه
بیان آید و بر باب تا اصلاح معاش و بعد مبیع و کند و چیزی بخرد و بزد و شد و خرید و حق و مجلس که اهل است معتکف
و غیر معتکف که حاجت بود بیان نماز عمل مرحوم کرد در مسجد که اهل مدینه که کتاب کند و یا بنشیند و حق شود صحیح طلب
و مانند آن و اگر معتکف بجوار آن عزیز و علم او حق آن مشغول شود پس زیاده چیزی بود و در مسجد حق و اشاعه صحیح روا باشد
و اولیتر آنست که سر و را چیزی دیگر بکشد و بر بجا من زند و روا بود که در مسجد رسیده شود او بیرون آن بود که در وطن و یا چیزی
دیگر شود و روا باشد که آب مطلق بر زمین مسجد ریخته اند و استعمال و آبا باشد و رکن زدن و مجامعت کردن و وضو
ساختن در مسجد حرام است و روا باشد چون از ملوث کردن نیز بود و اولیتر آنست که کند و بوی خوش و بوی و اعتکاف و اذن
در مدت آید و در شب نزد آب و در عید و ایام تشریق در مسجد باشد **رکن دوم** نیت است که اول اعتکاف که بر بود از نیت
و اگر اعتکاف نذر بود و اجیر بود که معین و نیت شود و چون اعتکاف مطلق نیست و معین نماز که در چنین مسجد بدین آن و باز
و اگر در نیت نذر کرده و اگر بعینه نماز که چنین مانند فلان چون از نزل قضا حاجت بر آید نیت آن بکند و از آن بازیافت حاجت از سر
آید **رکن سیم** معتکف است شرط و آنست که مسلمان و عاقل باشد از حیض و نفاس و طهارت و اعتکاف کردن و بنده و زن در مدت آید
و لیکن بدون اذن سید و زن اذن شوهر و آن بود که با اعتکاف نیست و اعتکاف کافر و دیوانه و بی صبر و مست در مدت نباشد
و چون با مدام جنب شود باید که مشغول بالغسل کردن و در مسجد آن نباشد غسل کردن اگر چه ممکن بود **رکن چهارم** جای معتکف
است و اعتکاف در مدت نباشد مگر در مسجد و در جمیع مساجد روا بود و در مسجد جامع اولیتر و کل آنست که معتکف بحرام و خصومت
مشغول شود اعتکاف باطل شود و معتکف را در مسجد خمر و تنگ کردن و طعام از آن خوردن و غیر معتکف بالنزل آن نیست فاما اعلم

کتاب الحج بدان که فرض عمر واجب نیست مگر یکبار و اگر کسی در مدت آید که استطاعت و توانا باشد آن بر او که غیر حج و بر او واجب
بنده و اعمال حج بجا آرد و اعمال حج اور و اعمال حج بجا آوردن در مدت باید مگر از مسلمان حج و اذن و کردن که حج و زن در مدت آید و اگر کودک
و یا بنده حج کند اجزا حج که اسلام و اذن شود و حج که اسلام واجب نباشد مگر بر کسی که مسلمان و بالغ و عاقل و آزاد و مستطیع بود و استطاعت
در حج است استطاعت بنفس خود و استطاعت بحسب حج بعبد و اول اعلق بود چیزی از دخل حاصل و اینچه راه و مؤنت و مانند
بیرون آمده باید که زاد و بدان و اجیر بدان محتاج بود در مسافت و زمین و اذن و یابد باید حج واجب شود و اگر زاد واجب شود در اجله آن
مکه و مکه مسافت قصر حج واجب شود مگر در که راحله بیابد که در بود و بیابان رفتن و حج سوار کردن و فاضله استاد بیابان
گزاردن و اعتبار بر محل طلب الیه و اگر بر راحله آن محل نفقه مستوی و بیابان آن ما باشد مسافت سخت شرط است که مجاور نیز بیابد و بعد محل نیز بیابد و اگر
در مجاور نیز متوانند که بیابد سخن آن و معتقد شرط است که مجاور نیز بیابد که و اگر مجاور باید اگر شرکت در مکه بر راه آن که در محل بر گرد
و اگر بیابد کسی و در مکه که آن مسافت قصر بعد و اگر آن نیابد و بیابان نتواند نیز حج آن کم بود و راحله شرط نباشد و اگر مستعد بود
و بیابان نتواند نفقه بیابان آن ما در شرح رسد راحله و محمل نیز شرط است که زاد و راحله از نفقه و هر چه نفقه آن بود لازم
است فاضل از زیاد بود هر زمین و اهل و آن مسکن و عادت نیز که محتاج بود بحرمت و زیادت بود و اگر و بدل سرمایه باشد

واگر دو مشی بکند از دیج اما واقع شود

دیگر چیزی دیگر صح

طاعت صح

ذکره الروبانی فی طلیعه صح

وشب قدر صح

نزاهل علم دور صح

Copyright © Gonabad University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)